

آورده که شیخ عابد زاهد محدث اکبر شیخ فخر الدین ابی روایت حدیث از شیخ محمد بن حاکم در شهر
 و او از سید عیسیٰ ابی شرف صالح بن علی عن شیخ سید البکیر سید رفیع بن ائمه عن شیخ حسن بن علی
 الثاني عن یحییٰ بن عبد الله عن شهید الثاني روایت دارد انتهى شیخ فرح القاسم بن محمد
 بن درویش بن محمد بن حسین بن جمال الدین بن اکبر الجویزی در امل آن سلطنت
 که شیخ فرح شهید کور فاضل و محقق ماهر و شاعر و ادیب و صاحب مؤلفات کثیره است
 از جمله کتاب رجال در دو مجلد و مرقعه یک جلد و کتاب سیر در چهار مجلد و کتاب
 هفتاد و سه فرقه و کتاب الغایه در منطق و کلام و کتاب اسنوه در حساب و حساب
 شیخ مبارک الدین عالمی علیه الرحمه و منظومه در معانی و بیان و تفسیر قرآن مجید و تاریخ کبیر و دیوان
 اشعار کبیر و رساله در علم حساب و کتاب تذکره العنوان و آن کتاب بیست و یک بعضی الفاظ
 آن بسیار و بعضی به شرح است و در طول و عرض خوانده میشود مجرب است و این مذکور است که
 و هر سطر که از سر خن خوانده میشود جدا گانه هر یک علمی از خود بسیار بسیار باشد و در تسمیه آن تذکره
 العنوان چنین است که یکی از فضلا و اهل سنت کتابی بود در بیوت ایشان که در آن علوم مذکور
 و فقه و تاریخ است برین طرز تالیف نموده روزی در آن مجلس شیخ ذکر آن کتاب را آن آهلی مجلس
 همگی متعجب شدند باینکه شیخ موصوفه باینکه در آن کتاب عنوان الترتیب نماید که به از
 و تصنیف فرمود شیخ قاسم کاظمینی از جمله معاصرین شیخ حر عاملی بود چنانچه در
 اهل آورده که شیخ قاسم کاظمینی عالم عابد و فاضل زاهد و معاصر است از تفهیمات او است شرح
 کتاب استبصار که جامع احادیث و اقوال فقها است انتهى کلامه کلاب علی بن یزید الکاشغری
 فاضل عالم و صالح و شاعر ادیب و معاصر شیخ حر عاملی بود که انی الامل شیخ علی بن یزید
 بن محمد بن الحسن بن زین الدین شهید الثاني فرزند حاج شیخ زین الدین سبط
 شهید ثانی علیه الرحمه بود و عم شیخ علی مذکور شیخ علی صاحب در منشور بود و در کتاب الامل
 آورده که شیخ علی مزبور فاضل و عالم و شاعر و ادیب بود و قرارت علوم پیش عم خود داده و از دیگر

شایخ هم استفاده فرموده و آنجا در کتاب مذکور آورده که شیخ علی منزبور الحال در صفهان مشهور
 است شیخ حسن بن زین الدین بن محمد بن الحسن بن شهید الثانی العالمی
 اجمعی بر او کثرت علی سابق الذکر است شیخ حر عالمی او را از جمله معاصرین خود شمرده و گفته که
 شیخ حسن مذکور عالم و فاضل و صالح و معاصر است الحال در بلده اصفهان توطن دارد و در اوقات
 علوم پیش علم خود و دیگران از شایخ و اساتذ خود فرموده است سید ابوالحسن بن علوان
 الحسینی العالمی اشامی صاحب امل آورده که سید ابوالحسن مذکور فاضل صالح
 و جلیل القدر و از معاصرین است درین زمان در بعلبک سکونت دارد و انتهی مولانا سید
 عبدالعظیم بن السید عباس الاسترآبادی عالم و فاضل و محدث و فقیه بود در
 لور لوره البحرین آورده که سید عبدالعظیم بن سید عباس استرآبادی از علمای اخبارین
 بود از تصانیف اوست رساله در وجوب عینی نماز جمعه و علامه سید باشم بن سید سلیمان بن السید
 اسمعیل بن سید عبدالجواد الکنکائی التوبلی است که او را در انشاء الله مذکور خواهد شد از سید
 عبدالعظیم مذکور روایت دارد شیخ محمد بن علی بن احمد بن موالعالمی البساطی
 از معاصرین شیخ حر عالمی بود چنانچه در امل آورده فاضل صالح ستوده و گفته که شیخ محمد
 مذکور الحال در بلده اصفهان توطن دارد مولانا محمد موسی بن شاه قاسم السبزواری
 از ساکنین مشهد مقدس روضه رقیبه رضویه علی راقدها الاف التحیه بود چنانچه او را
 امل آورده که مولانا محمد موسی بن شاه قاسم السبزواری ساکن مشهد فاضل عالم محقق
 متکلم فقیه محدث عابد معاصر است از تصانیف اوست تفسیر قرآن مجید و حواشی بر شرح
 لمعه و غیر آن از کتب و رسائل مولانا قطب الدین محمد بن علی اشرع الدیمی
 اللاهی صاحب امل آورده که مولانا قطب الدین محمد بن علی اشرع دیمی لاهی فاضل
 جلیل القدر صاحب تصانیف کثیره است از جمله رساله در معالم التالی و غیر آنها و او از جمله
 معاصرین است مولانا میرزا محمد رفیع الواعظ القزوی از مشایخ فضیله کالمین و بلغا

و اعظمین و علمای عالمین بود کتابش ابواب الجنان بر حال فاضل و علم و عبادت و تقوی و شکر و استقامت
 و اردو الحق که کتابی فارسی در بیان چند نصاب این فصاحت و بلاغت و توفیق عبارات و لطیف
 استعارات مبعوض تالیف نرسیده از مجلد اول آن کتاب ظاهر شود که کتاب به ذکر مرزانی بر پشت
 بالبت اما مجلد اول که یکی از ابواب هشت گانه است درین و بار بسیار هشتاد و دو در آن
 شاه عباس ثانی صفوی تصنیف شده و مجلد هشتاد و یکم نیز مواضع بر سه دهه کتاب است و
 از حال دیگر مجلدات اطلاعی ندارد ایاقالب تالیف و تصنیف آنرا به ایام ما نمانده با جمله
 میرزا موصوف و اعطی عامل و شاعر کامل بود در شعر و عیناً خلاصه هشتاد و یکم نیز در
 نصر آبادی در تذکره اشعار که آنرا در زمان شاه سلیمان صفوی آورده اند هشتاد و دو سوره
 تصنیف کرده بقرب ذکر علماء و فضلا و شعرا آورده که در عطا قرظونی است که در این کتاب نیز
 نواده ملا فتح الله و اعطی قرظونی است لقبون کمالات آورده است و در این کتاب نیز
 چمن طبعش را افتاب گل خود رو و گلزار خاطرش را با تمام گل شیب و لذت و در دست
 طبع او را تالیف مسمی به ابواب الجنان گوایه با بلیغ است که بهاری است که در این کتاب
 انسان گذشته و سجل فصاحتش با ذعان اهل عرفان عنوان آورده است که در این کتاب
 بر سر و مطالعه کنندگان کشاید و هر فقره اش از راه تخریب پندیده درین تفسیر است که
 مذکوره گوید که جلد اول آن کتاب فصاحت آیات بنظر نرسیده است که در این کتاب
 و اخلاق مستغنی میاز و چرا که من مطالعه کتب تواریخ و فخر و امثال آن بوده ام
 بحسب انطو و معنی هیچکدام از بقدر شایسته نیست میرزا محمد در عبادت و در هر چه در این کتاب
 نباشد باید که صحبت و عاقبت توفیق اتمام آن بیاید و علی قلینان در در تذکره خود که
 بر ریاض اشعار است آورده که مرزا محمد رفیع و اعطی قرظونی از فضول و علم و عبادت
 لاکلی ابرار مواضع و نصاب او آویزه گوش خاص و عام بوده و در این کتاب نیز
 دیگر کمالات ساخته بود که ابواب الجنان را که شمس بر محمد ابرار در این کتاب

وزنایت کیفیت وزنگینی تسوید نموده در او اول جلوس خاقان مالک قاب اینی سلطان حسین صفوی داعی حق را بسبب اجابت گفت و در تذکره تاج الافکار مسطور است که صاحب فکر بلند و طبع متین مرزا محمد رفیع و اعطای از اکابر قزوین که نواده طایفه القند و اعطای قزوینی است بوساده تعلیم و تربیت شائقین جاداشت و بوعظ و بند خلافت نظری گماشت در نظم برداش از همینو ایان میرزا صائب و ظاهر و حید بود و طریق سخن تبارش تازه و معانی دشین بخش اسلوبی می نمود ثنوی معرکه شاه عباس ایلیم خان اوزبک بس رنگین و نیکو گفته ولای آباد مضامین را برشته فصاحت و بلاغت سفته در او اخر نامه حادی عشر بساط هستی چسبید

الشیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بن راشد بن ابی ظبیه البحرانی الاصبی صلا الشاخوری مسکن شیخ حرعالی او را از جمله معاصرین خود آورده و به علامه و فاضل و فقیه ستوده و شیخ یوسف بحرانی در لؤلؤة البحرین گفته که شیخ سلیمان مزبور فقیه نبیه و بهند صفت بوده و از تصانیف او در رساله است در تحریم نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی مقابلی خطی در نقص و جواب رساله مذکوره رساله خوب و انقش است و جواب تصنیف کرده دیگر از تصانیف او است رساله در تخیل تن و قهوه که در آن کلام بعضی از علمای عجم را که قائل بحرم بوده اند در کرده است دیگر رساله در علم کلام مشتمل بر تحقیق اصول دین و رساله در تخیل ماهی است وی از شیخ احمد بن شیخ محمد بن علی نقاشی صبی و هم از استاد خود شیخ علی بن سلیمان بن حسن قدیمی بحرانی که حالش گذشت روایت دارد شیخ سلیمان بن عبداللہ بحرانی شاگرد او بود و از روایت دارد شیخ سلیمان بن علی مذکور در رساله کبزار و کیس و یک هجری وفات یافت و سید عبدالرؤف جفصی بحرانی که خصوصیت با او داشت تصنیف کرده و در شرح آورده و از جمله این شعر ضمن تاریخ وفات او است شعر

صاحب الغراب بفاق و نجیب علی	موت الفقیه فاتی دمعدی آخر
پس در طایف بعین حجه که جنی صدای زانغ است ماده این تاریخ با شیده ایضا شیخ یوسف	

در لؤلؤة

در لور لورۃ البحرین آورده که شیخ سلیمان بن علی مذکور از شیخین جلیلیں شیخ جعفر بن کمال الدین بصری
 و شیخ صالح بن عبدالکریم بصرانی روایت داشت شیخ احمد بن ابی محمد بن یوسف
 الملقابی الخلی صاحب کتاب در لور لورۃ البحرین آورده که اصل وطن او خطه بود و منشا و مسکن
 قریه مقابا از قریه بصرین است که او در آنجا تحصیل علم نموده و از جمعی از علما عظام روایت
 حدیث داشته از جمله ایشان پدرش فقیه شیخ محمد بن یوسف و مولانا محمد باقر مجلسی و سید
 محمد موسی استرآبادی صاحب کتاب الرحمة اند و پدرش محمد بن یوسف مذکور از شیخ علی
 بن سلیمان قدس بصرانی روایت داشت و ماہر در علوم عقلیہ و فکلیہ و ریاضیہ و ہیئت
 و ہندسہ و حساب و عربیہ بود لکن چیزے از مصنفات او نقل نکرده اند و شیخ احمد بن محمد
 بن یوسف مذکور علامہ فہامہ و عابد زہد و متقی و کریم النفس و صاحب تصانیف بود شیخ یوسف
 بصرانی آورده کہ تصنیفات او کہ بیظرسین رسیدہ است بر علوم منزلت او در علوم معقول و عقول
 و فروع و اصول و وقت نظر و حدت خاطر باوصف مزید بلاغت و فصاحت و در تفسیر و تفسیر
 و تخریر گواہی میدہد و نزد من آشت کہ او از جمیع علمای بلاد بحرین از معاصرین متاخرین
 خود بلکہ از غیر ایشان ہم افضل بود و یکی از تلامذہ اش در رسالہ خود ذکر نموده کہ چون شیخ احمد
 مذکور بسوی اصفہان رفت مولی فاضل محمد باقر خراسانی مصنف کفایہ و ذخیرہ در ہیئت
 و روز برای مذاکرہ و استفادہ از و خلویات اومی نمود و ملا محمد باقر مجلسی رہہ او را اجازہ
 روایت داد و در جملہ مع و ثنائی او در اجازہ نوشت کہ از عجائب اتفاقات زمانی بلکہ از جملة
 تفضلات ربانی و نعمات بالغہ سبحانی بر من آشت کہ مرا با مولای اولی فاضل کامل و روع
 بارع تقی زکے جامع فنون فصائل و کمالات و صاحب گوی سبقت در میدان سعادت
 و الاخلاق الرضیة و الاعراق البہتہ علم تحقیق و کوه تدقیق عالم تخریر فائق التخریر و تقریر
 کثات دقایق معانی شیخ احمد بصرانی اتفاق صحبت افتاد پس او را در علم و فضل در پاسے
 بی پایان و دانای ماہر عظیم ایشان یافتہ الی اخر الا اجازہ و ایضا در لور لورۃ آورده کہ از تصانیف

شیخ احمد مذکور است کتاب ریاض الدلائل جمیاض المسائل در فقه که از انجمله پاره از مسائل علماء
 دیده ام و بس در رساله دیگر در وجوب عینی نماز جمعه است که در آن بر رساله شیخ سلیمان بن علی
 شاخوری بحرانی که ذکر او گذشت مذکور است دیگر رساله در مسئله استقلال پیر بولایت بکربالبحر
 رشیده در رساله در منطق موسوم بالمشکوٰۃ المضمیته در رساله موسوم بالموثر الخفیة فی المسائل المنطقیة
 در رساله صغیرة در مسئله برادر شیخ احمد مذکور و برادرش شیخ یوسف شیخ حسین هم در سنه
 یک هزار و یکصد و دو هجری در حیات پدر خود بسبب طاعون در عراق وفات یافتند و در جوار
 مزار فائض الاخوان حضرت کاظمین علیهما السلام مدفون شدند و بعد از آن پدر ایشان در سال
 یک هزار و یکصد و سه هجری در قریه متوفی گشت او بود وفات یافت شیخ سلیمان بن عبد الله
 بحرانی از شیخ احمد مذکور روایت داشت از شیخ محمد بن ماجد بن سعید بحرانی الماحوز منسوب
 قریه ماحوز بقسم حارمله و زار بنعمه در آخر قریه است از فرمای بحرین و آن شکل بر سه قریه است
 قریه و پنج بقسم دال ممله و سکون و او و فتح نون قبل از حیم و قریه بلحاظ بفتح با و تالی دو نقطه
 بالاجزاء لام و قریه عریفه بقسم عین معجمه و فتح راء ممله و سکون یار و دو نقطه پائین قبل از فاء و کتات
 لوله آورده که اصل وطن شیخ محمد بن ماجد مذکور قریه و پنج بود که یکی از قریه های ماحوز است لکن
 او از آنجا بسوی قریه بلاد که قدیم از قریه های بحرین است آمده ساکن شد و او فقیه مجتهد دقیق
 و دقیق النظر از اعیان علمای بلاد مذکور بود و امامت نماز جمعه و جماعت در آنجا داشت و از تقاضای
 او رساله سمی بالصفویه در رساله در نماز است که آنرا در شیراز بحجت سید بزرگ میرزا محمد صفی بن
 بن میرزا محمد مهدی ثاب تصنیف کرده بر وضه صفویه فی حکم الصلوة الیومیة موسوم ساخته بود
 میرزا محمد مهدی مذکور در شیراز بعد از شیخ صالح بن عبد الکریم بحرانی شیخ الاسلام بود و دیگر تصانیف
 شیخ محمد بن ماجد مذکور رساله مشتکل بر شکل در مسائل منطق است شیخ عبد الله بن صالح سماجی
 بحرانی گفته است که من در اوئل عمر خود در قریه ماحوز با استاد خود شیخ سلیمان بن عبد الله بحرانی
 در سنه ۱۱۰۰ هجری در آنجا بود و شیخ سلیمان بن عبد الله و اما شیخ محمد مذکور بود و

در آن زمان میان هر دو ایشان در مسئله فقیهیه بحث واقع شد و آن اینکه نهادن پیشانی جزو
 سجود است یا نه پس اگر کسی در سجده باشد و در آن حال آیه سجده واجب را پیش او بخواند پس
 او را استمرار بر همان سجده کافی است یا باید که سر برداشته باز پیشانی بسجده نماید پس درین مسئله
 شیخ محمد بن ماجد دعوی جماع نمود بر اینکه نهادن پیشانی جزو هر سجده نیست و چنان شخص را
 استمرار بر سجده اولی کافیست و استاد من شیخ سلیمان بن عبدالقادر بن مسلمان مخالفت او نمود
 و گفت که بلکه بر او واجب میشود که سر بردارد و باز بسجده نماید پس سنازه عتی عظیم میان ایشان
 و نوبت باین رسید که شیخ سلیمان گفت لکن دینکم ولی دین و مرا و شیخ سلیمان از وزارت آن آیه
 آن بود که آنچه تو گفتی که اعتقاد است بحجت آنکه در جهت مستی ترا تقلید قول من جایز نیست و شیخ
 من گفتم اعتقاد من است زیرا که من هم محبت استیم و مرا تقلید سخن تو جایز نیست پس شیخ
 بن ماجد بچرخشیدن این آیه از او کلام وحشت آمیز و انزوت انگیز با او تکلم شد زیرا که او گفت
 بسوی اصل شان و نزول آیه مذکور شد که این آیه مشتمل بر کلام حضرت نبوی بمجا طیبه کسین
 است شیخ سلیمان گفت کلام من از راه حجت بود از راه طعن و تشنیع بر تو نیست و زیاده
 ازین اورا ممکن نشد که رو بر شیخ مذکور نماید زیرا که شیخ محمد در آن زمان مشارالیه بود و شیخ
 سلیمان تا آنوقت شهرت نداشت پس هر دو از یک دیگر جدا شدند و مجلس منعقدی شد و هر یک
 از ایشان خشمناک بر دیگری بود و مدتی قلیل قریب چهل روز برین حال بودند و استاد من
 شیخ سلیمان رساله در مسئله متضمن رو بر او تمییز کرد و شیخ محمد مذکور را مرض عظیم عارض شد و شیخ
 سلیمان بعبادت او حاضر شد پس شیخ محمد در همان مرض که عمرش قریب هفتاد سال بود در حدود
 سنه یک هزار و یکصد و پنج هجری وفات یافت و آن سال سال جلوس پادشاه زمان سلطان حسین
 بن شاه سلیمان صفوی بود قبر شیخ مذکور در مقبره شیب و اقصیت و قبّه باری آن بنا کرده اند و ریاست
 بلا و بعد از او بسوی سید هاشم توبلی سمرانی منتقل شد و حضرت گوید که آنچه صاحب تذکره العلما
 از بعضی تواریخ نقل کرده که سال جلوس سلطان حسین بن شاه سلیمان صفوی که هزار و یکصد و پنج

بود چنانکه در احوال سیر از رفیع قزوینی و اعطی گذشت مخالف است که شیخ یوسف بحرانی
 در نیکام تحریر فرموده و الله لعلم و شیخ یوسف میفرماید که رساله شیخ سلیمان بن عبدالقادر بحرانی
 که مشتمل بر رد بر شیخ محمد مذکور در مسئله مذکور نزد من بود و در بعضی حوادث از دست من رفت
 و چون شیخ محمد مذکور وفات یافت شیخ سلیمان تصدیقه خوب در مرثیه او نظم کرد و در آن تصدیقه
 مح بسیار در حق او گفت و شیخ محمد مذکور از مولانا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه روایت احادیث

داشت شیخ سلیمان مذکور از روایت دارد السید هاشم المعروف بالعلامه ابن
 السید سلیمان بن السید اسمعیل بن السید عبد الجواد الکتکانی التوبلی البحرانی

منسوبت بسوی کتکانی بفتح کاف و نقطه بالا قبل از کاف دیگر که نام قریه از قریه هاس
 توبلی است و ان بتای دو نقطه بالا و سکون و او قبل از بار موحده و لام قبل از یاء و یکی از
 اعمال بحرین است کمانی بعضی الکتب در لؤلؤ آورده که سید هاشم مذکور معروف لبعلامه است
 فاضل محدث جامع و متنبع احادیث بود یکدیگر سولے مولانا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه بحکیم
 گوی سبقت برده نر بوده و کتابهاے چند تصنیف کرد که گواهی بر شدت تتبع و کثرت
 اطلاع او دارد و ایضا در کتاب مذکور مسطور است که ریاست قریه بلاد لعبد از شیخ محمد بن ماجد بحرانی
 بسوی سید هاشم مذکور منتهی شد و او در انجا متولی امور قضایا ریاست بود و آنرا با حسن حوجه بجای آورد
 و تسلط ظالمان و حاکمان را دفع کرد و سبالغه بسیار ترویج امر معروف و نهی عن المنکر فرمود و
 در امور دین از ملاست بر گویان اندیشه نیکو و از جمله القیاس متورعین بود و شدت بر ملوک
 و سلاطین داشت و فاش در سنه هزار و یکصد و هفت هجری در قریه نعیم بنجان شیخ عبدالقادر
 بن شیخ حسین بن علی بن کنبار نعیمی بحرانی واقع شد زیرا که او دختر شیخ علی بن شیخ عبدالقادر
 در عقد نکاح خود داشت پس نعش او را بسوس قریه توبلی نقل کردند و در مقبره مشهوره انجا دفن
 کردند و قبرش مزار سی معروف است و ریاست بلاد لعبد از بسوس شیخ سلیمان بن عبدالقادر بحرانی
 منتهی شد و بعضی از علما ذکر فرموده اند که وفات سید مذکور لعبد از وفات محمد بن ماجد که ذکرش گذشت

سید هاشم بحرانی
 ولف غایب

چهار سال واقع شد بنا برین تاریخ وفات سید مذکور سنه یک هزار و یکصد و نود و هجری بوده باشد
 از تصانیف او است کتاب الیه بان فی تفسیر القرآن شش مجلد و در آن احادیثی که در تفسیر
 آیات قرآنی وارد شده است از کتب قدیمه غریبه جمع کرده و دیگر کتاب لها و ضیاء الندا هم در تفسیر قرآن
 دو مجلد و کتاب غایه المرام فی تعیین الامام و کتاب معالم الزلفی و النشأة الاخری یک مجلد کبیر و کتاب نیتة الحجاج
 فی النص علی الائمة الهداة دو مجلد و کتاب الدر النفید فی فضائل الحسین الشہید یک مجلد
 و کتاب تفهیم الائمة الاثنی عشر علی الانبیاء علیهم السلام سوی نبیا و کتاب وفات النبی و کتاب
 وفات الزهراء و کتاب سلاسل الحدید که منتخب از شرح نهج البلاغه بن ابی الحدید است در
 بیان فضائل سید المومنین و باقی ائمه معصومین است و کتاب الاحتجاج و کتاب نیایة الایمان
 فی ما یم ب الأعمال و کتاب ترتیب التہذیب در دو مجلد و در آن جمیع احادیثی را که در تہذیب
 الاحکام شیخ زره مندرج بوده است در باب مناسب بترتیب لائق مندرج ساخته بعضی معانی
 از راه حد و اختصار ب ترتیب التہذیب می گفتند و کتاب تشبیہات الادیب فی حال التہذیب
 که در آن برا غلط بسیار که از شیخ طوسی زره در اسانید تہذیب الاحکام واقع شده بود تشبیہ
 نموده است و دیگر کتاب الرجال و العلماء در ذکر کسانی که بسوسے حق رجوع کرده اند و کتاب
 حلیۃ الابرار و کتاب حلیۃ النظر در فضائل ائمه اثنی عشر و کتاب البہجة المرضیہ فی اثبات
 الولایت و الوصیۃ و کتاب مناقب اشیعہ و کتاب الیتمنہ و کتاب نسب عمر و کتاب تعریف
 روایاتی که در سن لا یخفہ الفقیہ مذکور اند و کتاب مولد حضرت قائم صاحب الزمان علیہ السلام
 و کتاب نزہۃ الابرار و سنار الافکار در ذکر خلق جنت و نار و کتاب الحجۃ در ذکر چیزی که در حجت
 حجت و امام نازل شده و کتاب تبصرة الولی در ذکر کسانی که حضرت امام ہدی صلوات اللہ
 علیہ را دیده اند و کتاب عمدة النظر در احوال ائمه اثنی عشر علیہم السلام و کتاب معجزات النبی
 صلی اللہ علیہ وآلہ و سید ہاشم مذکور از جمعی از علماء روایت احادیث داشت از جمله اشخاص
 شیخ فخر الدین بن طریح حنفی معنف مجمع البحرین وغیره سید عبد العظیم بن سید عباس استرآبادی

صنعت رساله در عجب عینی نماز جمعه است که از علمای اخبارین بود و نیتی محصله و صاحب
 تذکره العلما آورده که دیگر از تصانیف سید هاشم مذکور کتاب روضه العارفین است که اگر
 شیخ یوسف بحرانی در احوال شیخ محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله تعالی ذکر نموده است و
 شاید که درین مقام بسبب سهو کتاب مذکور را نام نبرده و الله لعلیم ملا فرج الله شوشتری
 از افاضل عصر خود بود و ما اثر الکرام مسطور است که ملا فرج الله شوشتری تازه و باغ نشانه
 زودرسی و انجمن افروز سخن عربی و پارسی است سید علی معصوم در سلافة العصر احوال ملارا
 بطریق مینویسد و میرزا صاحب مکرر او را در تقاطع یاد میکنند از آن جمله است ه
 بین رخاک فرج کامران نشد صاحب که فیض هم لظهوری ازین جناب رسید
 از وطن بالوت بسیر ممالک و کن خراسید و در خدمت سلطان عبدالقدیر قطب شاه و
 حیدرآباد منزلت و ثروت تمام بهم رسانید از اشعار عربی او است ه

لا عزوان لم تفصح الا یام بی الدهر ابن عطاء و اذی الراء
 و بداجری طبع الزمان اهلہ دفن الکلام و اهل احمیاء

اشاره است بواسطه بن عطاء مغرب که اشع بود یعنی حرمت را را نطق است و آنست که
 و نوعی سخن او می نمود که حرمت را در کلام او نمی آمد و عیب ششم برسانجان نگفت
 نمی شد تا بعدیکه طب المثل شد و شعرا در اشعار خود استعمال کردند ابی محمد خازن گویند
 در مع صاحب بن عباد وزیر

شعر

تجنب یوم العطاء کا تجنب این عطا شغته الراء

و در تذکره تلخیص آثار مسطور است که ملا مذکور در او اواخر ماه سخاوی عشره حیل شهر

عقبی گشت

بخش دوم

در ذکر فضلاء و ستودن مائتاتانی عشر

شیخ محمد بن الحسن بن علی بن محمد الحاکم العالی المشغری بضم حاء جمله و تشدید
 یاد جمله منسوب است بسوی مشغره بفتح میم و فتح شین سجد و سکون غین سجد قبل از جمله
 و با و اخر آن که نام قریه از جبل عامل است از اعظم محدثین و محمد بن ثلثه متاخرین است
 و سمانه اخوند ملا محمد باقر مجلسی بود و از واجازه روایت دارد و اخوند مذکور نیز از واجازه
 روایت داشته چنانچه در بعضی تصانیف خود آورده که مولانا محمد باقر مجلسی خدایش بسلاست
 دارد و آخر کس است که مرا اجازه داد و من هم او را اجازه داده ام صاحب سلافة العصر که
 ابتدای تصنیف آن سنه یک هزار و هشتاد و یک هجری است بیار و روح او نوشته و گفته
 که او درین زمان در محکم مقیم است و در لؤلؤة البحرین مسطور است که شیخ حر عالم فاضل و
 محدث و اخباری بود تاریخ ولادت خود را کتاب اهل ذکر ننوده است که شب جمعه ششم ماه
 سال یک هزار و سی و سه هجری بود و ولادتش در قریه مشغره واقع شد و او در قریه مذکوره بخدمت
 پدر خود و هم بخدمت عم خود شیخ محمد حر و بخدمت جد ماری خود شیخ عبد السلام بن محمد الحر و بخدمت
 خال پدر خود شیخ علی بن محمود و غیر ایشان قرارت علوم نموده بود و هم در قریه جمع بخدمت عم
 خود و بخدمت شیخ زین الدین بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن شهید ثانی و بخدمت شیخ حسین
 ظهیری و غیر ایشان خوانده و مدت چهل سال در آن بلاد یعنی عرب اقامت نمود و در غرض
 آن مدت دو مرتبه اواسع حج نمود بعد از آن بسوی عراق سفر کرد و نجف و کربلا و بغداد و کربلا
 من رای رسید و بشرف زیارت شاه بنوره حضرت ائمه علیهم السلام مشرف شد پس بسوی
 عجم رفت و بشرف قدس طوس رسید زیارت حضرت امام رضا علیه السلام را بجا آورد و مدت
 نجا و کت او در انجای اقدس تا وقت البعث کتاب اهل است و چهار سال بوده است او درین

مرتب هم دو مرتبہ حج رفت و دو مرتبہ بزیمارات عتبات عالیات امدہ عراق رفت مولف گوید
 کہ اجازہ کہ شیخ مذکور برائے اخوند ملا محمد باقر مجلسی علیہ الرحمہ نوشتہ بنظر فقیر رسیدہ تاریخ
 کتابش اول جمادی الثانیہ ستہ خمس و ثمانین بعد الالف است و در اثنای آن بتقریب ذکر
 طرق و شاخ خود آورده من ذلک ما خبرنے بہ شیخ الجلیل الثقة الورع ابو عبد اللہ حسین
 بن یونس بن ظہیر الدین العالمی و ہوا اول من اجازنے کتابہ و مشافرتہ سنۃ احدی و بیسین
 و الف عن شیخ الفاضل نجیب الدین علی بن محمد بن مکی العالمی عن شیخ الکامل الاحمد
 بہار الدین محمد بن حسین بن عبد العظیم العالمی عن ابيه عن الشہید الثانی انتہی کلامہ و
 صاحب تذکرۃ العلما بعد نقل بعضے از مضامین سطورہ آورده کہ در او آخر کتاب وسائل الشیعہ
 در جملہ ذکر رجال راویان و علما سے حدیث بتقریب ذکر خود سال ولادت خود را مطابق
 آنچه گذشت مذکور ساختہ بسیاری از تصانیف خود را نام برده و گفتہ کہ این کتاب را کہ می
 بتفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ است در مدت ہجده سال تالیف کردہ ام
 و قریب دو ثلث آنرا در قریہ مشغره کہ از قرآ سے جبل عامل است تالیف آوردہ ام و باقی را
 در شہر مقدس حضرت امام رضا علیہ السلام با تمام رسانیدم انتہی محصل کلامہ و از تاریخ
 ولادتش و مدت اقامتش در عرب و مجاورتش در شہر مقدس کہ در کتاب اہل اہل ذکر نموده
 است چنانکہ گذشت ظاہر میشود کہ آن کتاب را در سنہ یک ہزار و نود و ہفت ہجری یا بعد از آن
 تصنیف کردہ است و اللہ لعلم و در لؤلؤة البحرین سطورہ است کہ فاضل ابو الحسن شریف بن
 محمد طاہر عالمی و شیخ محمود بن عبد السلام بکرانی از شیخ حرر مذکور روایت داشتند و از فاضل
 علامذہ شیخ مذکور شیخ مہذب الدین احمد بن رضا مصنف کتاب فائق المقال فی الحدیث
 و الرجال است از تصانیف شیخ حرر و صرف کتاب است از انجملہ کتاب جواہر السنیہ در ذکر احادیث قدسیہ
 کہ اولین تالیفات او است و احدی قبل ازہو جمع آن نپرداختہ و کتاب صحیفہ ثانیہ از دعاہا
 حضرت سید الساجدین علیہ السلام سوائے دعاہائے کہ در صحیفہ کاملہ متداولہ مجتمع است

مؤلف گوید که کتاب صحیفه ثانیه که بخط مصنف آن شیخ حر عاملی علیه الرحمه در کتبخانه بعض
 اعلام البقاه القدر لے یوم القیام موجود است بنظر فقیر در آمدہ شیخ مذکور در دیباچہ کتاب مذکور
 اسما کتب را تفسیر عبارت خود فرمودہ و بر ظہر آن نسخہ بخط خود نوشتہ الصحیفہ ثانیہ من
 ادعیۃ مولانا زین العابدین علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیہم السلام تالیف العبد محمد
 بن احسن الحسری عالمہ اللہ بلطفہ و فضلہ و ایضاً بر حاشیہ ہمین عبارت مرقوم است
 مالکها کاتبها مولفها و در خاتمہ کتاب مزبور سیفر ماید یقول العبد محمد بن احسن بن علی بن محمد
 العالمی عنی اللہ عنہ ہذا ما وصل الے من ادعیۃ مولانا زین العابدین علی بن حسین
 علیہ السلام مما خرج عن الصحیفۃ الکاملہ والحمد للہ وحده و صلی اللہ علی محمد و آلہ و عقبہ
 من جمہاتی فی شہر رمضان سنۃ ثلث و خمین بعد الالف حامداً مصلیاً مسلماً ستغفر لکم
 ممن دعا بہا ان لیسرکنے فی صلاح دعائہ و قدر کتبت ہذہ النسخۃ ایضاً بیدی تمنا و تبرکاً
 فی شہر جمادی الاول سنۃ ست و سبعین بعد الالف بمرنیۃ استرا بادی حر سہار ب العباد و درین
 نسخہ بر حاشیہ شروع ہر دعا اسناد و روایت خود بجا الہ کتب منقول عنہ باین عنوان نوشتہ
 کہ ہذا الدعاء مروی فی عدہ کتب ہننا کتاب حج الدعوات الی غیر ذلک من الکتب الی نقل للشیخ
 المزبور عنہا دیگر از تصانیف اوست کتاب تفسیل و سائل شیعہ فی تحصیل سائل الشیعہ
 شش مجلدہ شیخ موصوف مذکور تصانیف خود آورده کہ اگر حسب حاجت الے در اجل مہلت ہر عزم تالیف شرح کتاب
 و سائل شیعہ دارم انشاء اللہ تعالیٰ و آنرا بتحریر و سائل شیعہ و حجبہ سائل الشریعہ یوم
 خواہم ساخت و آن شرح مشتمل باشد بر آنچه کہ استفاد از احادیث باشد و بر فوائد مستقرقہ کہ
 در کتب استدلالیہ انداز ضبط اقوال و فقہ اولہ و غیر ذلک من المطالب المہمۃ مؤلف گوید
 کہ شاید ثوبت تصنیف شرح کتاب مذکور نرسیدہ کہ اجل آنجناب در رسیدہ رحمہ اللہ تعالیٰ
 و از جملہ تصانیف شیخ موصوف است کتاب ہدایۃ الالہ الے احکام الامم کہ سہ مجلد است
 و آن منتخبی از وسائل شیعہ باحدث اسانید و کرات از احوال فقہ تالیف است و کتاب بیست

رسائل اشیعه مشتمل بر عنوان البواب و عدد احادیث هر باب و مضمون احادیث مندرجه آن
 که یک مجلد است و کتاب العوائد لطوسیه که یک مجلد از ان بقالب تالیف رسیده و آن
 مشتمل بر صد فائده در مسائل متفرقه است و کتاب اثبات الهداة بالخصوص و المعجزات در دو مجلد
 که مشتمل بر هزار حدیث از کتب خاصه و عامه است و کتاب اهل آمل فی علماء جبل عامل که در آن
 علمای شاخین هم مذکور است و رساله در ذکر حجت که آنرا رساله الایقظ من الجمعیه بالبرهان
 علی الرجعه نامیده است و رساله در رد فرقه صوفیه و آن معروف بر رساله اثنی عشریه است که
 که در آن قریب بیک هزار حدیث در رد صوفیه آورده و رساله در مسئله خلق کافر و آنچه مناسب با
 وارد و رساله در مسئله نام بردن حضرت امام محمد محمد صاحب الزمان عجل الله فرجه که آنرا رساله
 کشف التعمیه فی حکم التسمیه موسوم ساخته است و رساله در بحث نماز جمعه و رساله در تحقیق اجماع
 موسوم بر رساله نزمیه الاسماع فی حکم الاجماع و رساله در اثبات تواتر قرآن مجید و رساله در ذکر آسمان
 رجال و رساله در احوال صحابه و رساله در بیان منزه بودن انبیاء و ائمه معصومین از سهو و نسیان
 و رساله در واجبات و محرمات مخصوصه از اول فقه تا آخر آن و در آن مجموع واجبات یک هزار و
 پانصد و سی و پنج است و مجموع محرمات یک هزار و چهار صد و چهل و هشت است موسوم به بدایه الهدایه
 و کتاب فصول المهمه فی اصول الائمة که مشتمل بر قواعد و کلیات مخصوصه در اصول دین و اصول
 فقه و فروع فقه و در طلب و کتاب العربیه و العلویه و اللغة المرویه و از تصانیف او است
 اجازات متعدده برای معاصرین خود که مطول و مختصر اند و دیوان اشعار است که قریب بیست هزار
 بیت است اکثرش در مدح سید المرسلین و ائمه معصومین است و در آن منظومه است در تاریخ
 نبی و ائمه و ایضا از تصانیف او است کتاب فوائد قدسیه و دیگر رسائل متعدده طویل که
 قریب بده رساله باشند که ذانی الاصل من تعداد الکتب و ائمه اعلم و از او است رجزه و دیوان
 العالم الربانی اخوند محمد باقر بن محمد تقی مجلسی الاصفهانی معروف باخوند مجلسی است
 چنانکه لقب حضرت با او در حجه و الهجرتیه الحجازیه با او عام و بین ائمه است در تصانیف

علیه السلام از اکابر علماء و محدثین و ثقات نموده و مجتهدین و محدثین ثلثه متاخرین است در مدایح ائمه و در مدایح
 احتیاط و کمالات علوم و درع و تقوی و عظمت و جلالت قدر میان سایر اهل زمان خود در عجم و عرب
 تفوق و امتیاز داشت شخصت کتاب در ساله از تالیفات اوست در صورتیکه تمامی مجلدات بحار الانوار
 را یک کتاب شمارند و مجلدات نامه حیات القلوب را یک کتاب گیرند اکثر کتب آنجناب که آنرا بذل جهد
 فرموده بزبان فارسی بعبارت واضحی براسی انتفاع عامه مومنین ترجمه فرموده و الحق چنین فیض عام
 در هیچ عصری از هیچ عتقا بنظیر نرسیده چنانکه شیخ یوسف بحرانی در لؤلؤة البحرین بعد وصف آنجناب
 میفرماید که هیچکس در زمانش و قبل از او و بعد از او درین و عدیل او در ترویج دین و احیای سنت
 سید المرسلین تصنیف و تالیف امر و نهی و منع مبتدعین و مخالفین و دفع اهل بدع و معاندین سیما
 صوفیه معتدین یافته نشد و ایضا گفته که آنجناب در دار السلطنت اصفهان شیخ الاسلام بودند
 ریاست دینی و دنیوی و امامت جمعه و جماعت و رانجا داشت و اوست آنکسی که حادثه بلعیت
 رسالت را جمع نموده رواج داد و در میان مردم خصوصاً بلاد عجم منتشر ساخت و از برای فهم ایشان
 انواع احادیث را از عربی بفارسی ترجمه نموده علاوه آنکه تصانیف و آثار تمام تمام در امر بیرون و نهی
 عن المنکر داشت و دست جو در کم بر هر کس که می آوی مدبوس و داشت چون در زمان نبوت امام
 علیه السلام هر که مجتهد عادل و جامع الشرائط باشد نائب آنست و در مدینه صغیره بر عایت شیخ
 شریف بسیار داشتند لهذا هر بادشاهی را که مجتهد معظم آن زمان نامیده شود که در آنست و آنست
 و آن بادشاه خود را نائب او می شمرد و از آنجمله سلطان حسین صغیره را می دانند که در آنست
 اجلاس فرمود شیخ یوسف بحرانی آورده که ملک و سلطنت سلطان حسین باقی نماند و قتل
 تدبیرش در امور ملکین همین وجود ملا باقر مجلسی محروس و محفوظ بود چون ما رحلت فرمودند افسان در
 اطراف مملکتش راه یافت و افسان اهل بلاد شروع شد و هفتاد سال ملین قند بار را از دست تصرف
 انتزاع نمودند و پیوسته روز بروز ملک او خراب و در بعضی نروال بود و دیگران غالب شدند
 تا آنکه همه ممالک از قلمرو او بیرون رفتند و ولادت آن نبرد سال که در آنست و آنست

چه آنکه آن مرحوم بر حاشیه کتاب بحار الانوار در مقام ذکر تسمیه آن کتاب گفته که از غرائب اتفاقات
آنکه در جمیع کتاب بحار الانوار تاریخ ولادت من موافقت در نوکوة البحرین مسطور است که وفات
آن مرحوم سال یک هزار و یکصد و یازده هجری اتفاق افتاد تاریخ فوتش غم و خرن است و ملائحت علی محلی
در رساله خود بعد ذکر اوصاف و القاب و مباح اجنباب گفته که ولادتش در یک هزار و هفت هجریست
لکن گفته که وفاتش در سال یک هزار و یکصد و ده هجریست و احمد بن محمد حسینی لاهیجانی که از ملائحه آن
مجلسی است در ذیل فهرس ابواب کتاب نظم لالی که مشتمل بر تاریخ و هی آن مرحوم مجلسی است گفته که وفات او
در سبت و بیستم ماه رمضان سال هجریست چنانچه تاریخی که برای فوت آن مرحوم بطریق تعبیه گفته اند شصت
ماه رمضان چوبست و هفتش کم شد تاریخ وفات عالم شد
و در کلام مولانا از بهری که مشتمل بر تاریخ وفات اوست یافته شد که آن مرحوم در وصال آخر ماه رمضان
سنه مذکوره از دنیا رفت و آن این ابیات است که در آن اشعار مذکور است

مرقد او بجا را نوار است روضا اش میدر حیات قلوب اعتقادات اوست ز او معاد آیت رحمت آله بود گویا آنکس ز عالم غیب که درین ماه میروی بهشت زان سبب گشت ختم تفسیرش چون شب قدر آن عظیم القدر لذ بهری گفت سال بخیرش	که زمین بحیات داده نشان ز جلال العیون بسین تو عیان تو بحق الیقین یقین میدان رفت و مردم شد ندگرگون داده بودش بشارت از زردن زود نبسا و دواع پیر جوان آیه کل من علیها فان شد نهان عشر آخر رمضان باقی علم شد روان بجان
---	--

و صاحب تذکره گفته که از بعض اشعار از بهری مستفاد میشود که آن مرحوم تفسیری تا شرح آیه
کل من علیها فان بتالیف آورده که وفاتش در رسید لکن الی الآن که امی تفسیر منسوب با

یافته نشد و هم در فهرس تصانیف او مذکور نیست و نیز در کلام احدی از علما نسبت تصنیف
 تفسیر نسیمی او بنظر نرسیده شاید که در آنسال تفسیر سوره رحمن را در ماه رمضان بر سبیل عظمه
 و بیان فرموده و تا آیه مذکوره لوبت بیان آن رسیده و لعلم عند اللہ اخوند مرحوم از جمعی کثیر از
 علمای اعلام اجازه روایت احادیث میداشت از انجمله از والد خود و از پسر عمه و از خود شیخ
 عبداللہ بن جابر عاملی و فاضل جلیل سید شرف الدین علی بن حجتہ اللہ حسینی شولستانی مجاور
 نجف اشرف تمیز مرزا محمد استرآبادی و غیر هم روایت دارد کما لیتفاد من شرح الاربعین لعلی طاب
 و از رساله ملا میر علی و کولوه البحرین ظاهر میشود که از اساتذہ او ملا حسن علی بن ملا عبداللہ شولستانی
 و سید الکلا امیر رفیع الدین نایینی و سید محمد مومن استرآبادی و ملا حسن کاشانی و شیخ علی بن شیخ محمد
 بن شیخ حسن بن شهید ثانی و سید شهید سجد الحرام امیر محمد بن دوست محمد استرآبادی تمیز سید
 نور الدین عاملی و غیر ایشان هم بودند و از بعض اجازات متاخرین علما ظاہر میشود که اخوند مرحوم
 از ملا محمد شریف رویدشتی هم روایت داشته و نیز از سید مرزا ابن شرف الدین علی خراسانی در
 غره جمادی الاخری سنہ یکترار و شصت و چهار اجازه یافته و نیز در اول جمادی الاخری سنہ یکترار
 و شصت و پنج از شیخ مر عاملی اجازه براسے خود گرفته و شیخ موصوف هم نوشته باجمله جمعی کثیر از فضلا
 و مجتہدین که بعد از اخوند مرحوم بهم رسیده اند از روایت دارند از جمله ایشان دامادش میر محمد صالح
 خاتون آبادی و دخترزاده اش میر محمد حسین بن میر محمد صالح موصوف که جامع فهرس تصانیف
 اخوند است و ملا رفیع مشہدی و ملا ابوالحسن شریف عاملی و شیخ محمد بن یوسف نعیمی و شیخ سلیمان
 بن عبداللہ بحرانی و غیر ایشان اند و از رساله ملا حیدر علی دریافت میشود که اخوند را چهار پسر ^{کمال} پسر
 رسیدند یکی مرزا محمد صادق که والدہ اش خواہر سید جلیل مرزا علار الدین گلستانہ شارح پنج لہلہ
 بود و دیگر فاضل مرزا محمد رضا مشہور باقانی که والدہ اش خواہر ابوطالب خان ہناوندی بود
 و اخوند مرحوم را کنیزی بود کہ دو پسر از وہم رسیدند یکی ملا محمد جعفر و دیگری ملا عبداللہ و دختران
 اخوند مرحوم کہ از خواہر سید علار الدین گلستانہ بہم رسیدند یکی زوجہ میر محمد صالح خاتون آبادی

که از وی میر محمد حسین هم رسیده و دیگر سزا و جسته مرزا محمد کاظم بن ملا عزیز القدر برادرزاده آن
 مرحوم بود که پسرش ملا محمد تقی جد ملاحیدر علی مجابی است و دیگر دختران هم داشت که اولاد ایشان
 در صفهان میباشند و تفصیل اسامی ایشان در آن رساله منضبط است و از اعظم تصانیف و
 اجل توالیف آن قدوة ابرار کتاب بجا را الانوار است و مشتمل برست پنج مجلد است که آیتی از آیات
 الهی و معجزه از معجزات حضرت رسالت پناهی است و تا حال مثل آن کتابی در هند بپامیه که
 جامع احادیث متأخرین و متقدمین بوده باشد تالیف نشده ترتیب مجلدات را بنا بر آنچه خودش
 در اول کتاب مرقوم فرموده انیست کتاب العقل و العلم کتاب التوحید کتاب العدل و المعاد
 کتاب الاحتیاجات و المناظرات کتاب قصص الانبیاء علیهم السلام و کتاب تاریخ احوال بنیاسلمی
 علیه و آله کتاب الامامة و جوامع احوال الائمة کتاب الفتن و ماجری بعد البنی من غصب مخالفة و
 غزوات امیر المؤمنین کتاب تاریخ امیر المؤمنین و فضائله و احواله و کتاب تاریخ فاطمة و حسن و حسین
 علیهم السلام و فضائلهم کتاب تاریخ علی بن حسین و محمد بن علی الباقدر و جعفر بن محمد الصادق و موسی کاظم
 علیهم السلام و فضائلهم کتاب علی بن موسی الزناد محمد بن علی الجواد و علی بن محمد الهادی و الحسن بن
 علی عسکری و فضائلهم کتاب الغیبة و احوال الحجة القائم المهدی علیه السلام کتاب السار و العالم
 فی احوال العرش و الکرسی و الاخلاک و العناصر و المواید و الملائکة و الجن و الانس و الوحوش و الطیور
 و احکام الصيد و الذبائح و البواب الطب کتاب الایمان و الکفر و مکارم الاخلاق و کتاب الآداب
 و اسنن و الاوامر و النواهی و الکبائر و المعاصی و الحد و کتاب الروضة فی المواعظ و الخطب و حکم
 و کتاب الطهارة و الصلوة و کتاب القرآن و الدعاء کتاب الزکوة و الصوم و اعمال السنة کتاب الحج
 و کتاب المزار کتاب العقود و الايقاعات کتاب الاحکام کتاب اجازات العلماء الاعلام رضوان الله
 علیهم و از کلماتش ظاهر میشود که مجلد است و ششم نیز در آخر مجلدات مذکوره الحاق نموده چنانکه در
 بعضی اصول از مقدمه کتاب بجا میفرماید که من بعضی احادیث کتب متقدمین را در کتابی علیحد
 که آنرا هستی رک البیاز و سوم ساخته ام از سر نو ذکر خواهم نمود زیرا که الحاق در هر یک از مجلدات

این کتاب نمودن باعث تغییر بسیاری از شیخ متفرقه این کتاب میگردد و در سالی فارسیه بلخ فخر
 تصانیف اخوند مرحوم که مولف سید محمد حسین بن محمد صالح خانون آبادی و دختر زاده اخوند مرحوم است
 در آن مقدار آیات هر کتاب و رساله مفصلاً مرقوم است و دیگر از تصانیف آن مرحوم است کتاب
 مرآة العقول فمشرح اخبار آل الرسول شرح کافی کلینی که قدری از آن ناتمام مانده کتاب ملا والاخبار
 و شرح تهذیب الاخبار شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی است و آن نیز ناتمام است و کتاب الصوم نوشته
 و کتاب شرح چهل حدیث و کتاب فوائد طریقه که شرح صحیفه است و تا دعای چهارم نوشته و کتاب
 و حیزه در علم رجال و رساله اعتقادیه که در یک شب نوشته معروف به لیلیه است و رساله در اوزان
 و مقادیر شرعیه و رساله شکایات نماز و رساله موسوم بسائل بنده در جواب مسائل متفرقه که بر او
 اولاد عبد الله از هند فرستاده از و سوال نموده بود و کتاب عین الحیات در ترجمه احادیث مؤلف
 که حضرت رسول با بودر گفته مشکوة الانوار که مختصر است از کتاب مذکور و خواص سو و ادعیه کتاب
 حلیة یقین کتاب حیات القلوب در سه مجلد اول در تاریخ پیغمبران سلف و بادشاهان که همسر
 ایشان بود و مجلد دوم در تاریخ و حالات پیغمبران ماصلوات الله علیه جلد سوم مثل بر دلائل نبوت
 و امامت و این جلد را ملا محمد رضی بن ملا نصیر محلی که یکی از بنی اخوان اخوند مرحوم بود و بعد از او بقالب
 تصنیف در آورده موسوم بصحیفه یقین ساخته در از تصانیف اخوند مرحوم است کتاب تحفة الزائر
 کتاب جلاء العیون کتاب مقیاس المصابیح کتاب ربیع الاسابیح کتاب زاد المعاد رساله حدود
 رساله در اوقات نوافل شبانه روزی و رساله جمیع رساله در ترجمه نامه که حضرت امیر علیه السلام
 بالک اشتر قلی فرموده و رساله اختیارات و رساله ذکر بهشت و دوزخ معروف بطریق البخته کتاب
 جنازه مثل بر نیل و تکفین اموات و کیفیت دفن و نماز ایشان رساله کبیره در اعمال حج و عمره
 رساله صغیره حج و رساله مفاتیح الغیب مثل بر ذکر انواع استخاره های ماثوره رساله در گرفتن مال
 نواصب رساله زکوة رساله کفارات رساله نماز شب در رساله آداب تیراندازی و رساله ادب
 و رساله در تحقیق معنی آیه کرمه و التابفون التابفون اولئك المقربون فی جنات النعیم

در ساله فرق میان صفات ذاتی و صفات فعلی باری تعالی در ساله تعقیب مختصر نمازهای شبانه روزی
 در ساله در تحقیق معنی بدر و رساله حیر و تقویض در افعال بندگان در ساله نکاح و کتاب فرحة الغری
 شمل بر معجزات و امور شریبه که از مرقد منور حضرت امیر علیه السلام ظهور رسیده رساله در ترجمه توحید
 مفصل شمل بر حدیث طولانی و رساله در ترجمه توحید حضرت امام رضا و رساله ترجمه زیارت جامع
 و رساله در ترجمه دعای کبیل و رساله در ترجمه دعای روز مبارکه و رساله در ترجمه دعای سات
 و رساله ترجمه دعای پنجم و رساله در ترجمه روایت عبدالعزیز بن جنید و رساله در ترجمه روایت
 رجا بن ابی ضحاک در اعمال و اداییکه از حضرت امام رضا منقول است و رساله ترجمه قصیده
 و عمل خزاعی در مدح حضرت امام رضا و رساله در ترجمه حدیث سه اشیا شمل بر ذکر اشیا شسته که
 در آن بندگان را دخلی نیست و رساله شمل بر اشتیاق زیارت نجف اشرف و کربلای معلی
 که در وقت مراجعت ازان دو مکان اقدس انشا کرده بود و رساله صواعق الیه و شمل بر کیفیت
 جزیه گرفتن از یهودان رساله شمل بر جواب سوالهای متفرقه که مردم از سوال نموده بودند و کتاب
 حق یقین که آخر تصانیف آن مرحوم است جامع اوراق گوید که کتاب تذکرة الائمة که شمل بر
 دلائل نبوت و معجزات و امامت ائمه معصومین از روی کتب یهود و نصاری و مجوس بنود
 و سایر ملل متفرقه و تواریخ و احادیث عامه و احوال زمان خلفای اموی و عباسیه است و صاحب
 رساله فهرست آنرا ذکر نموده اما در نسخه از اجازه ملاحظه علی مجلسی بنظر رسیده و حق این است که
 مطالب مندرجه کتاب مذکور کمتر مطابقت بکلام آن مرحوم دارد چنانچه صاحب تذکرة آورده و همچنین
 حال اختیارات کبیره که منسوب بآن مرحوم است و آن سوای رساله اختیارات مذکوره است
 و در بعضی نسخ فهرست شرح باب عادی عشر هم مسطور است و دیگر از مولفان اخوند رساله در بحث
 منته است که در رساله فهرست مذکور نیست لکن صاحب تذکرة هم نوشته و گفته که در نسبت آن بسو
 آن مرحوم پیش از ما نظیر آن را جای کلام نیست و دیگر رساله ترتیبه الصلوة فارسی که مشهور است
 و رساله اذان و عربی و این هر دو را اجازه خود ملاحظه علی ذکر نموده مولانا الحاج

ابوتراب الاصفهانی شیخ علی حزین در رساله سوانح عمری خود بمقرب ذکر کسانیکه در سفرین خود باصفهان ملاقات ایشان نموده می گوید و بگرمولانا می مغفور حاجی ابوتراب ست وی از صلحای دهر و از مصاحبان مولانا محمد باقر مجلسی بود بافاده فقه و حدیث مشغول و افوالش در شرعیات معتدلیه و روزگاری باسائش داشت در سال فوت مولانا محمد باقر در گذشت مولانا

ابوطالب بن ابوتراب الاصفهانی فرزند ارجمند حاج ابوتراب سابق الالقاب ست شیخ علی حزین در ذیل حال پدرش ابوتراب گفته که پسرش حاجی ابوطالب نیز از محدثین بود بعد از

پدر بچند سال در گذشت مولانا المیرزا علاء الدین محمد حسینی معروف بگلستانه از مشاییر محدثین و فضلا کالمین بود شرح کتاب مستطاب نهج البلاغه موسوم به حدائق الحقائق

در بست مجلد که از عمده تصانیف شریفه اوست شاید عدل بر جامعیت و اکتلیت آن حاوی علم و فضل ست در آن کتاب بطرز این ابی الحدید معتزلی بیسبب متوجه گردید و مطاعن خلفا و اوجه

آنرا ذکر کرده بر آنها رساخته اوجه بچیده و سدید و تخریر فرموده دیگر از تصانیف اوست کتاب نهج الیقین فارسی در ترجمه و وصیت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و در آن ذکر

کبار اربسبب تمام آورده ملاحظه علی مجلسی اجازه خود آورده و تخریر المقدس العلامة السید السند المیرزا علاء الدین محمد حسینی گلستانه شارح نهج البلاغه و ظنی بانه لمیشرح

کتاب منتهی کانت ساخته جدته لنا لکونها حلیلة للعلامة المجلسی رحمه الله تعالی ازین عبارت واضح گشت که خواهر میرزا بقدر تکلیح اخوند ملا محمد باقر مجلسی بود و شیخ علی حزین در

رساله سوانح خود آورده عمده السادات میرزا علار الدین محمد معروف بگلستانه است از افاضل اقبای بود با والده مرحوم اختصاص تام داشت بعبادت و افاده بسرمی بر دبر کتب مند اوله

شرعیه تعلیقات وارد و روزگاری با سودگی و عزت داشت اولادش بمناسب دیوانی آوده شدند و ایشان را آن عزت و احترام نماند و وفات میرزا بنا بر آنچه از رساله مزبوره

ستفاد میشود در حد و دسنه هزار و صد و ده هجری واقع شد و الله اعلم مولانا السید

میرزا علاء الدین گلستانه

... از اعلام محدثین و زبده و فقهایی متورعین متاخرین
 ... بنابر آنچه سید عبداللطیف خان شوشتری که از احفاد سید
 ... تمام نوشته عالم بسط تمام نوشته است این مجموعی نماید نسب شریف
 ... بنام سید محمد بن سید محمد بن سید نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن حسین
 ... عیادت الدین بن عبدالله بن نورالدین بن
 ... بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الامام ابی الحسن موسی الکاظم
 ... و عن ابائه السلام و سبب چنین را که قلیل الوسائط باشد امه انساب عالی گویند اجداد
 ... از جناب از صدر اسلام همه امامی مذیب و در تشیع فرزانه و هر یک در عصر خود و علم و
 ... و مقتدای خلقی از اول الالباب آن زمانه بودند و الی الان بنی اعمام آنجناب
 ... و از نواح که هر دو طرف دو دجله و فرات
 ... که همه امامی مذیب و مشفق و بنی الام که خفی مذیب و محکوم حکم احدی از سلاطین
 ... در اندک سادات جزائر را پیرو مریدی مطیع و منقاد اند
 ... ان علامه تحریر فرموده است از من اعمال بصره نشسته انجمن بعد از
 ... از امر رشد و برتری و امارات اقتدا و سروری از ناصیه بیاو نش
 ... از گذشت حسب الاشارة والد بزرگوارش شروع بتعلیم
 ... که پیش از آن نموده سواد خوانی و خطی بهم رساند و بخوندن صرف و نحو
 ... در دست و او که بان صغرس بنجوی که شیوه اطفال است برگز
 ... و انکسایت نکروی و انکسایت شبانه روزی را بیاخته و مذاکره صرف نمودی تا بن
 ... در مطالع به رساند و در آن سن از جزائر بطلب علم و کسب
 ... در آن بلده قاهره که دارالفضل است از خدمات شاه ابوالو
 ... انامه در ایامش و شیخ جمیع خلفه شیخ کمال بحرانی و شیخ صالح بن عبدالکریم

و سید اجل سید ششم و شیخ عبدعلی حوزی اوی که هر یک از آنها نادره روزگار و از غایت اشتهار بی نیاز
 از اظهارت مدت نه سال استفاده نموده بدرجه کمال رسید و اجازه بخط شریف هر یک
 حاصل نموده صیقلش بلند آوازه گردید پس از آنجا خود بجزایر نمود و صبیح علی مقداریش را که
 نامزد او بود و در سلک از دو واج کشید و یکسال در آنجا ماند و روانه اصفهان گردید و در آن زمان که
 بهار اعصار و خرمی روزگار بود آنقدر از مجتهدین و افاضل و مستعدان در آن مصر اعظم مجتمع بود
 که اگر احصای آنها در بطول انجامد و در مجالس مناظرات و محافل عظیمه شخصت نفر مجتهد جامع
 الشرائط افاده فرمایند که هر یک علامه دوران و نادره زمان بودند و در بهر سیدین کی مثل
 آنها مشهور و اعوام می باید منقضی گرد و تا از کتم عدم بوجود آید و آن برگزیده و ذوالجلال مدت
 هشت سال در آن بلده مینوشتال در خدمت فیلسوف اعظم رئیس العلماء آقا حسین خونساری
 و خاتم المجتهدین مولانا محمد باقر خراسانی و عارف ربانی مولانا محمد محسن کاشانی و شیخ المثنی
 مولانا محمد باقر مجلسی و سید مرزای جزائری رحمهم الله کند نمود و در ههؤلا فضلهم و شرفهم
 اجل من ان یدک و اعظم من ان یسطر مرتبه تبحر هر یک ازین اساتذہ کرام و در حقیقه الظلمه
 و النصار علی العالم و عالمیان سلم البرهان و بی نیاز از توضیحات و بیان است و سید بزرگوار
 سرآمد آن علمای اعلام و افضل آن اذکیای عالی مقام گردید و در تالیف چهار الاوار آخوند مجلسی
 مددگار و اکثری از مجلدات آن کتاب تصحیح کرد و آن بزرگوار است و تکی رد و قبول آنها مقبول
 و مسلم میداشتند با بطلان فی فضل و رتبه کمال آن مرجع انام از آن برتر است که زبان کلید مسلم
 از علو آن حکایت توان نمود اکثری از کتب مطوله را مانند قاموس اللغه و کتب بیهوده تفسیر
 بیضاوی و غیره در بدایت تحصیل بخط خود کتابت فرموده و بقدر چهار پنجاه جلد کتب عالی که در
 لبتخانه جمع داشتند کتابی نیست که حواشی و تعلیقات بخط مبارک ایشان نداشته باشد یا صحیح
 و نرسیده باشد و نحویکه گذشت بعد از آنکه در اصفهان از علمای اعلام تکمیل نموده هر یک اجازه
 عاتقه باو دادند خود بجزایر نمود و انجمن آرای بزم افادت و ارشاد بود تا در وقت کتبه

در بیان حکم
عبدالله
مسلم و قائم عظمی

و هفتاد و نه حسین پاشا بن علی پاشا مسلم بصره که از جانب سلطان محمد عثمانلو وزیر بغداد فرمان
فرمایید و با او از در عصیان برآمده یعنی ورزید سلطان محمد سرداری را با لشکر بیکران به فتح او
فرستاد پاشا خود تاب مقاومت نیاورده از بصره فرار و به سمت هندوستان آواره گردید
افواج رومی بنحویکه عادت ایشانست تیغ عاجز کشتی را نیز و بار عایا و زیر دستان از دست نیز
و آویز درآمده از جزایر تا حوالی بصره را بتاختند و خاکی از بصره ناپیتر گردید مردم جزایر که از اعوان
پاشا بودند در آن اشوب نیز جلای وطن نموده و کس از آن فراموش از آنجمله سیاحتی است که در
در آن سال از جزایر بجویزه که از قدیم مقر ریاست والی عراق است آمده و حکومت ویژه
و آن نواح از قبل از ظو شاه سلیمان شان شاه امین منوی المی الان بر ما است شش تن اخصاس
دارد و این سلسله علییه از بدایت حال تا این زمان به امامی است و در اقطار جهان بیجا است
قدر و علو شان معروف است و اتق و شجاعت فیلی و سن احاطه بین الامام موصوف اند و ترجیح
دین مبین و احترام علمای اعلام دقیقه فر و گذشت نمی نمایند و همیشه در نجی من سلاطین دین پر
صد نشین و در کمال عزت و این بوده اند و در آن حصر و المی بودید علی بن علی خلف دارا
در خدمت سید ادرانی تا به بود استقبال و لو از مضایقت و هم از آن بی خبری و ستاری و حدیث گذار
به تقدیم رسانیده و با نامت خویر و تکلیف نموده و هم در آن وقت از امر امامی شوستر التماس
متضمن تکلیف آمدن بان شهر بهشت اساس برید و بکم است و این است سلامت شوستر گروه
در آن او ان حکومت شوستر از بل و بلوک نفعی سلطان بن اشوتخان که از املا این نامه شریفه
سلاطین صفویه بود و تعلق داشت خان و اعیان اعظم و اردن را با او بر ایام و مترلی شهر
استقبال و مقدم و در ابا کرام و اعزاز تلقی نمودند و بالتاسر با نامه و در این راز از نشانی است
کردند آنحضرت نیز بول آنها قبول و توطن اختیار نمود و از آن روز به از شوستر بومین اجداد و اجداد
گردیدگی مردم بل و بلوک غایت اطاعت آن بزرگوار را بر دوش و خلفه راه است او را بر کوشش
کشیدند و در سه و خانقاه نجوی که لایق آن سید عالمی جا بود و امامان شایسته بادشاه و کاسه آ

شاه سلیمان صفوی شیخان حلیل شیخ الاسلامی و قضاوت و تدریس و نیابت ممدارت و امامت جمعه
 و جماعت و تولیت مسجد جامع و امر ببردن و نهی از منکر و سایر مناصب عینه بلد و بلوک و سایر
 بلاد قریبه بخندیش مرجع شدند و همه آن اشغال خطبه و زنج ستوده تقدیم کرد و اقارب ذوی الا
 تدریج از بزرگوار پوستانند و آنحضرت با همه طریق و موافق و مواسات معلی سے آورد با جمله عالیجناب
 مردم را به بنای مساجد و مدارس تحریر نمودند در هر محله مسجدی برپا شد بخو که سبق ذکر یافت
 و در هر مسجد یکی از اعظم طالبه امامت معین نمود و بوجود ذوی جو دان بزرگوار محاسن شرع غرا
 در آن و بار رونق یافت و تا آن زمان اکثر مردم آن شهر جهال بی معرفت و در فرائض و
 سنن و قواعد شرع شریف فرو گذاشت بسیاری میشد حتی ذبیحه را بنفس نفیس بمردم تعلیم فرود
 و بحق حقوق آن سید و الانبار بر مردم آن بلاد از هدایت و ارشاد خارج از حوصله احتیاجات
 و از اعظم تلامذه او بودند مولانا محمد بن علی النجار و مولانا محمد باقر بن محمد حسین سید محمد شاهی
 و حاجی عبدالحسین کرکری و قاضی نعمت الله بن قاضی معصوم و هر یک از بركات انفاض قدسیه
 آنحضرت با علی درجه تبحر و فضیلت سیدند و الی الآن تمامی فضلاء خوزستان و آن نواح نسبت
 تمذرا بیک واسطه یاد و سه واسطه با پنجاب میرسانند از افاده و ارشاد مردم و تالیف و تصنیف
 می نیاسود و بمواعظ و ارشادات موثره گم گشتگان تبه ضلالت را بجا ده مستقیم دلیل و رہنما
 بود مصنفات بسیاری از در صفحه روزگار بیا دگار است و الی الآن مصنفات او مقبول علمای
 عرب و عجم از هر دیار و قوادای او ممول به فضلاء فضائل شمارست و بحق کلام وحی نظامش
 با علی درجه متانت است و از آثار اقام او است شرح کبیر تندیب الاحکام مشتمل بر دو از ده مجلد و
 بعد از آن تصنیفات و اختصارات در آن نموده شرح صغیره که رواجی تمام دارد و در مشیت
 مجلد اقتصار نمود شرح استبصار سه مجلد شرح نوالی اللثالی و دو مجلد انوار النعمانیه و نوادر الاخبار هر یک
 دو مجلد ریاض الابرار سه مجلد زهر الایح و دو مجلد قصص الانبیاء شرح توحید صدوق شرح احتجاج
 موسوم به قاطع الحاج شرح عمود المؤمنین و حقه کافی شرح صحیفه کبیر و صغیره شرح تندیب النحو

این کتاب از کتب معتبره است که در کتب معتبره است